

R. Kashi 2011

تصویر ۱ : پیتر لاتز،
رنگاروغن بر روی بوم، اندازه
اصلی اثر ۲۰-۳۰ سانتیمتر،
رسول کاشی.





من بر این باورم که بیشتر، کمبود فضا و اطلاعات است که تأثیر خود را نشان می‌دهد. در راستای تأسیساتی که با هدف نگهداری آسان، ساده شده‌اند، عناصر زشت، مشتاقانه جذب شده و در ادامه به کارگیری این عناصر نازیبا، تطبیق داده می‌شوند. بدین ترتیب، پدیده پارک و یا به عبارت دقیق‌تر، بخش‌هایی از پارک دویسبورگ - نورد نمونه مشخصی از شرح این رویکرد است. علاوه بر این، عناصر صنعتی نسبت به مناطق طبیعی سبزی رنگ، آنچنان مستحکم هستند که حوادث و کاربری‌های خشن برای آنها محلی از اعراب ندارد.

منظر آیا قبول دارید بعضی از عناصر موجود در منظر پساصنعتی به هیچ وجه لطیف و خوشایند نیستند و حس کنجکاوی مردم به تنهایی کفایت تا این عناصر حفظ شوند؟ کارهایی مثل این، بزک کردن این عناصر به حساب نمی‌آید؟

کنجکاوی همواره وجود دارد؛ آن جایی که نمی‌توان آن را ارضاء کرد، اقداماتی جایگزین یا به میدان می‌گذارد که همیشه مطلوب و مناسب هم نیست. اگر یک بار به اماکنی نگاه کنیم که برای پارک‌ها اختصاص داده می‌شوند، خواهیم دید که زیباترین، متنوع‌ترین و طبیعی‌ترین اماکن انتخاب نمی‌شوند. دیگر زمین‌هایی با چنین کیفیت‌هایی وجود ندارند. آنچه که باقی می‌ماند، دیوهای زباله، خرابه‌های صنعتی یا زباله‌هایشان، همچنین خطوط آهنی هستند که ما را به سوی آخرین زمین‌های ساخته‌نشده در دل شهر هدایت می‌کنند. این فضاها که به ظاهر پر هرج و مرج هستند، برای اولین بار به ردیف فضاهایی با کیفیتی منفی اختصاص داده شده‌اند. به سختی می‌توان آنها را به عنوان بخشی جداناپذیر از استفاده شهری تصور کرد. اما امروز دیگر طراحی نکردن اماکن آلوده یا زشت و عدم بهره‌برداری از آن امری غیر هوشمندانه است و نمی‌توان با رویکرد نوسازی به نمادهای سابق تخریب نگریست.

منظر روند برخورد و طراحی یک سایت پساصنعتی شامل چه ویژگی‌های خاصی است؟

از ویژگی‌های خاص پروژه‌های صنعتی در راستای ناشناخته‌هایی که هنوز پیرامونشان وجود دارند، احاطه تنوع اطلاعات، برنامه‌ریزی تحلیلی یا در نظر گرفتن دانش موجود و در انتها طراحی ساده و بی‌پیرایه است. آنها اغلب در ارتباط با بدنه شهری اطرافشان در مکانی مناسب قرار دارند. پرواضح است ترکیب نهادهای فرهنگی، آثار تاریخی و فعالیت‌های تفریحی شگفتی‌هایی را سبب می‌شود.

منظر منظر پساصنعتی به عنوان لایه‌ای از میراث و منظر فرهنگی شناخته می‌شود. چگونه می‌توان به بهترین وجه این منظر فرهنگی را در جریان زندگی امروز شهر قرار داد؟

"معماری منظر پساصنعتی" را در سطح میراث فرهنگی - به عبارتی آنچه که هست - می‌توان خلاصه کرد. متأسفانه در واقعیت، خلاف این مطلب اتفاق می‌افتد. یک روند یادگیری با باقی‌مانده‌ها و خرابه‌ها، بُعد مفهومی طبیعت، فضا و مکان را گسترش می‌دهد. در پارک دویسبورگ-نورد میدانگاه فلزی مشبک (Piazza Metallica) با صفحات قالب‌گیری گول‌آسا (ریخته‌گری) همانطور که اکنون هستند، به سمبل طبیعت - همانند جنگل و یا علفزار - با اشاره‌ای به جاودانگی تبدیل می‌شود.

بسیار سپاسگزاریم.
نوامبر ۲۰۱۱

در نوامبر ۲۰۱۱ مجله منظر با همکاری گروه صدای معماری در دارمشتات آلمان، مصاحبه‌ای را با پیتر لاتز به زبان آلمانی ترتیب داد و تعریف، رویکردها و تجربیات او را در برخورد با معماری منظر و سایت‌های پساصنعتی و نقش آنها در شهر و زندگی شهروندان جویا شد...

منظر در یک دهه اخیر جایگاه و تعریف معماری منظر نسبت با شهر دچار تحولات بنیادین شده است. چه کمبودها و ویژگی‌هایی اساسی در شهر قرن ۲۱ موجب آن است؟ بدیهی است که پروژه‌های معماری منظر همانند تمامی طرح‌های عمرانی در دل آینده قرار گرفته‌است. با این حال بیشتر طرح‌ها با پندار نسل طراحان پیشین، جامه عمل به خود می‌پوشاند. این پروژه‌ها همواره دیدنی بوده و مقایسه می‌شوند؛ پروژه‌هایی که به طور میانگین، نه طرح‌های دوران خود را نشان می‌دهند و نه به هیچ وجه تداوم و استمرار کاری نسل پیشین برنامه‌ریزان و طراحان را به نمایش می‌گذارند. تفکر ایده‌آلی که از یک شهر در طبیعت سبزی (به طور مثال شهرهای گسترده) وجود داشت، پس از اجرا، تبدیل به کابوس شد و به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. سپس آرمان‌ها و چشم‌اندازهای جدیدی (همانند فشرده‌سازی و شهریت) مطرح شدند، ولیکن به موازات آنها همچنان شهر تنک و گسترده ساخته می‌شد.

یکی از پندارهای نادرست، دگرگونی - آن هم یک دگرگونی پایه‌ای - همزمان وقایع و عملکرد یکسان، در بسیاری از مناطق متفاوت است.

از سال‌های آغازین قرن بیستم تا حال حاضر، ایدئولوژی‌ها و دستورالعمل‌های سبز کردن «شهر» پابرجا مانده‌است. به طور مثال، رفع بیماری‌های شایع با فضاهای سبزی و یا در جایی دیگر باید در مقیاسی بزرگ و تا حد امکان، به علت کمبودهای ناشی از جنگ، یک نوع تولید فردی در سطوح کوچک سازمان‌دهی شود که این رویکرد تا امروز نیز وجود دارد.

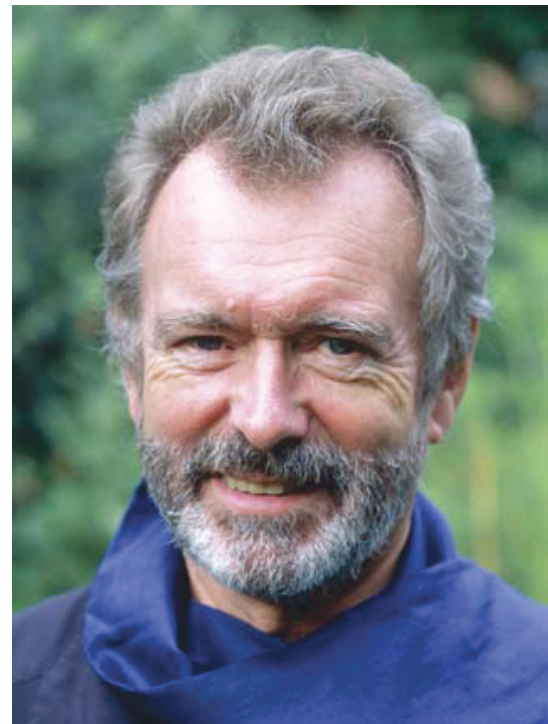
همزمان با گسترش استاندارد سازی و صنایع پیش ساخته، ارتقای سطح طراحی را تشویق و ترویج می‌کردند. به عنوان مثال، برای یک باغبان تازه‌کار این امکان فراهم می‌شد که به آسانی و با کمک این محصولات، زیباترین باغچه‌ها را بسازد. طراحی باغچه‌های خصوصی در نمونه کارهای معماران منظر همواره وجود داشته و از آن زمان هم بیشتر شده است. در این میان به نظر می‌رسد که معماران منظر، باید فضاهای جمعی را هدفمند به اجرا درآورند. زیرا شهروندان در این مورد، انتظار شفافیت بیشتر را داشته و خواستار به تحقق پیوستن خواسته‌های گروهی خود هستند. در حقیقت، پیشنهاد طراحی برای یک فضا از طرف مردم به عنوان یک دگرگونی پایه‌ای تعبیر می‌شود.

منظر به نظر می‌رسد پارک‌های پساصنعتی برخلاف پارک‌های قرن ۱۹ و ۲۰ که در تضاد با واقعیت بیرون از خود در شهر شکل می‌گرفتند، بیانی واقعی از شرایط جامعه شهری در قرن ۲۱ دارند. شما بر کدام جنبه "نسبت هویت این منظر با جامعه خود" تأکید می‌کنید؟

با توجه به موارد فوق الذکر، می‌توان مدعی بود که پارک دوران پساصنعتی، ارتباطی واقعی با جامعه دارد، با این وجود،

گفتگوی مجله منظر با پیتر لاتز

مصاحبه کننده: ارسلان دامغانی، مدیر گروه صدای معماری دارمشتات آلمان



MANZAR's interview with Peter Latz



www.stimmderarchitektur.de